

زمینه‌های معرفتی و پشتوانه‌های علمی مسلمانان برای طراحی نظام جدید رده‌بندی علوم

حبیب‌الله عظیمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۴

چکیده

هدف: بررسی دیدگاه دانشمندان مسلمان در باره رده‌بندی علوم و مقایسه آنها با نظام‌های رده‌بندی رایج جهانی به منظور فراهم ساختن زمینه بازنگری در رده‌بندی‌های کتابخانه‌ای برای طراحی نظام‌های بومی رده‌بندی مبتنی بر ارزشهای فرهنگی و اعتقادی و نیازهای علمی جهان اسلام.

روش: نظرات دانشمندان مسلمان با مطالعه منابع کتابخانه‌ای شناسائی و تحلیل شده است. یافته‌ها: دانشمندان مسلمان از سده دوم هجری تاکنون با رویکردهای فقهی-اخلاقی، اخلاقی-تربیتی، و آموزشی - تربیتی به رده‌بندی علوم پرداخته اند؛ و طبقه بندی تعدادی از آنان دارای برخی از ویژگی‌ها و مزایای خاصی بودند (همچون: اتکاء بر جنبه موضوعی، استفاده از شیوه ارجاع، بکاربردن مبنای تحلیل و ترکیب) که در رده بندی های جدید کتابخانه ای شاهد آنها می باشیم.

کلیدواژه‌ها: رده‌بندی علوم، رده‌بندی علوم، شیوه‌های طبقه‌بندی، دانشمندان مسلمان، رده‌بندی علوم در اسلام

^۱ استادیار پژوهشی سازمان اسناد و کتابخانه ملی habibazimi@yahoo.com

رده‌بندی‌های مشهور قرن بیستم، مبانی فلسفی و منطقی و علمی جامع و کامل ندارند بلکه کاملاً محلی و نژادی‌اند. در آنها به موضوعات محلی همراه با تعصب نژادی اهمیت بسیار داده‌اند. در رده‌بندی دیویی و کنگره به موضوعات آمریکایی اهمیت خاص، و دربارهٔ آدیان، علوم اجتماعی و زبان، تعصب آشکار است. در این رده‌بندی‌ها به تمدن شرقی و علوم آن کوتاهی و به علوم اسلامی نپرداخته‌اند (حماده، ۱۴۰۵، ق: ۱۳۹). از این رو برخی کشورها، بناچار به مقتضای تاریخ، ادب و فرهنگ خود در آنها تغییرات دهند تا بتوانند این رده‌بندی‌ها به کار برند (طاهری عراقی، ۱۳۷۲، ۱۳).

هدف این پژوهش، تبیین رده‌بندی‌های علوم در تمدن اسلام و واکاوی نقاط قوت و ضعف آنهاست تا بتوان چارچوبی برای آموزش علوم و نیز رده‌بندی کتابخانه‌ای علوم بویژه در علوم انسانی و اسلامی پیشنهاد داد. بررسی تفاوت دیدگاه دانشمندان اسلامی در رده‌بندی علوم از آن جهت سازنده است که به تفاوت دیدگاه در سازماندهی دانش کمک می‌کند و به مدد آن می‌توان آشفتگی‌ها را در برنامه‌ریزی برای آموزش علوم، به ویژه علوم اسلامی بازساخت و از تقلید کورکورانه با الگوهای غربی در رده‌بندی علوم، به ویژه در علوم انسانی و اسلامی و تعمیم آن به آموزش آنها پرهیز کرد؛ زیرا علوم انسانی وابسته به خاستگاه جغرافیایی، فرهنگ، و جهان‌بینی است.

بررسی زمینه‌های معرفتی و شناختی و پشتوانه‌های نظری و علمی برای طراحی نظام جدید طبقه‌بندی علوم مبتنی بر ارزشهای فرهنگی و اعتقادی و نیازهای علمی جهان اسلام با اتکا به پیشینهٔ ارزشمند رده‌بندی‌های دانشمندان مسلمان است. چه بسا با اتکاء به این پیشینه بتوان نظام طبقه‌بندی علوم را به گونه‌ای طراحی کرد که مزایای رده‌بندی دانشمندان پیشین را در بر داشته باشد و با توسعه و گسترش دانش‌های روز هم قابل تطبیق باشد.

نظرات دانشمندان مسلمان در طبقه‌بندی علوم در دوره‌های مختلف تاریخی با استفاده از منابع استخراج شد و رویکردهای آنان به ترتیب تاریخی، همراه با تحلیل محتوا و بیان ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف هر کدام تدوین گردید.

کاستی‌های رده‌بندی‌های رایج

هر طرح طبقه‌بندی برای اینکه مفید باشد به کار آید، باید ب موضوعات علوم را شناسایی کند و روابط میان آنها را نشان دهد. این جز با سازماندهی مبتنی بر نظم درونی شاخه‌های دانش-که عموماً از نظام‌واره منطقی و درخت‌واره‌ای حاصل نمی‌شود (یعقوب نژاد، ۱۳۹۰، ۱۴۹). بدون سازماندهی دانش، رده‌بندی علمی در کتابخانه‌ها نیز میسر نخواهد شد.

کتابداران در سطح جهان-چه غرب و چه شرق-انتقادهای بسیاری بر رده‌بندی‌های رایج وارد کرده و ایرادهای مهم بر آنها گرفته‌اند. بلیس-که خود طراح یک نظام رده‌بندی است-اشکالات زیادی بر

رده‌بندی‌های متداول در غرب وارد می‌داند. و رده‌بندی در کتابخانه‌ها مسئله‌ای حل نشده می‌شمارد. جیمز تامسون پس از بررسی رده‌بندی رایج در دوره باستان و قرون وسطی، طرح‌های جدید را نقد کرده است (یعقوب نژاد، ۱۳۹۰، ۱۴۱).

پاره‌ای از کاستی‌های مهم که صاحب‌نظران برای رده‌بندی‌های رایج برشمرده‌اند اینهاست:

۱. عمدتاً برای استفاده در شرایط محلی و تاریخی ویژه و در اصل برای کتابخانه‌های خاص ایجاد شده‌اند (حماده، ۱۴۰۳، ۵۹).

۲. هیچ انگاره‌ای از پیشرفت در آنها دیده نمی‌شود. می‌توان آنها را صرفاً نظام‌های ساخته شده پیشین دانست که در طی قرون متمادی به صورت جزئی‌تکمیل شده‌اند (همان، ۱۴۸). در حالی که با توجه به گسترش و تحول علوم، باید متحول می‌شدند.

۳. عمدتاً عملی هستند نه علمی، همانند رده‌بندی دیویی و دهدهی جهانی و رده‌بندی کنگره. بیشتر برای آسان کردن کار ترتیب و تنظیم کتاب‌ها طراحی شده‌اند نه بر اساس نظامی علمی، فلسفی و منطقی (حماده، ۱۴۱؛ ابرامی، ۱۳۷۹، ۱۵۰).

۴. رده‌بندی‌های رایج، نه تنها به نیازهای تمدن شرقی و علوم آنان توجهی نکرده، بلکه در این زمینه اهمال و مسامحه کرده‌اند (حماده، ۱۴۰۳، ۱۳۹). از این رو موضوعات علوم شرقی و قاره آفریقا در این طرح نادیده انگاشته شده‌است. به علوم اسلامی و به هیچ وجه پرداخته‌اند. گویی این رده‌بندی‌ها تنها مناسب فضای کشورهای غربی‌اند (ابرامی، ۱۳۷۹، ۱۳۵).

۵. عموماً قراردادی و ساختگی‌اند و از اصول اساسی رده‌بندی برای سازماندهی دانش پیروی نمی‌کنند (تامسون، ۱۳۶۶، ۱۴۷) و بنابراین یک نظام منطقی جهانشمول طراحی نشده‌اند.

۶. قسمت‌های مربوط به ایران و جهان اسلام و ملت‌ها و آئین‌های شرقی جامع نیست و چنان کوتاه و موجز است که به کار کتابخانه‌های شرقی و ایرانی نمی‌آید (طاهری عراقی، ۱۳۷۲، ۱۳)؛ و با همه اصلاحات و تکمله‌ها و ذیل‌ها و مستدرکات که بر آنها نوشته‌اند، هنوز به کمال نسبی نرسیده‌اند و در علوم و معارف خاص ادیان و ملل نقص‌ها و خطاهای بسیار دارند (طاهری عراقی، ۱۳۷۶، ۵).

رده‌بندی علوم از دیدگاه دانشمندان مسلمان

بسیاری دانشمندان مسلمان به موضوع تقسیم علوم پرداخته‌اند. در اینجا تنها به آنهایی می‌پردازیم که ضمن جامع و کامل بودن، به نوآور هم بوده‌اند. از این رو در این مقاله، به آثاری مانند *رسائل اخوان الصفا، جوامع العلوم ابن فریغون، رساله ابوریحان بیرون، جامع العلوم رازی، انموذج العلوم جلال‌الدین محمد بن اسعد دوانی و فهرس العلوم فیض کاشانی* نمی‌پردازیم زیرا چیزی افزون بر آرای ۱۹ دانشمندی که از سده دوم هجری تا دوران معاصر مورد نظر ما پیشنهاد نکرده‌اند. هر یک از رده‌بندی‌های دانشمندان مورد بررسی در این مقاله رویکرد و ویژگی‌های متمایز دارند (جدول زیر)

طبقه بندی علوم از دیدگاه دانشمندان اسلامی

رده‌های علوم												نام دانشمند	ردیف														
علوم دنیایی						علوم دینی						جابر بن حیان	۱														
عملی (علم صنایع)			نظری (علم صنعت)			عقلی			شرعی																		
						معانی		حروف		باطن ظاهر																	
علوم الهی (علوم انبیاء)						علوم بشری (انسانی)						کندی	۲														
						طبیعیات		منطق		ریاضیات																	
علوم												فارابی	۳														
حکمت عملی			طبیعی و الهی			ریاضی			منطق					علم لسان													
علوم عجم						علوم شرعی						خوارزمی	۴														
کیه		حیل (مکانیک)		نجوم		هندسه		ارثاطیقی		طب				فلسفه منطق		أخبار		شعر عروض		کتابت		عربی		کلام		فقه	
معرفت																											
کیمیاگر و اهل صنایع		مذاهب و اعتقادات		نام‌ها، طرفه‌ها، عزائم سحر و شعبده		فلسفه و علوم قدیمه		فقه فقها و محدثین		کلام و متکلمین		شعر و شعرا		أخبار و آداب و سیر		نحو و لغوی‌ها		امم و کتابهایشان									
منطق						حکمت عملی			حکمت نظری			ابن سینا	۶														
خطا به		سوفسط یقا		جدل		برهان		قیاس		عبارت				معقولات		مدخل		سیاست		تدبیر منزل		اخلاق		الهی		ریاضی	
علوم عقلی						علوم شرعی						غزالی	۷														
مابعدالطبیعی			طبیعیات			منطق			ریاضیات					علم فروع			علوم اصول										
علوم غیر حکمی						علوم حکمی						قطب الدین شیرازی	۸														
علوم غیر دینی			علوم دینی			علوم عملی			علوم نظری					مابعدالطبیعیه		ریاضیات		طبیعیات		منطق		أخلاق		تدبیر منزل		سیاست	
حکمت																											
منطق			عملی			نظری			طبیعی		ریاضی		الهی		أخلاق		تدبیر منزل		سیاست								
طبیعی												خواججه نصیر طوسی	۹														
طبیعی			ریاضی			الهی			أخلاق					تدبیر منزل			سیاست										

آنچه مقصود با لذات نیست					آنچه مقصود با لذات است (علوم حکمی)					ابن اکتافی	۱۰	
منطق		أدب			حکمت عملی			حکمت نظری				
					تدبیر منزل	أخلاق	سیاست	طبیعی	ریاضی			إلهی
علوم أوایل					علوم أواخر					شمس الدین آملی	۱۱	
فروع ریاضی	فروع طبیعی	اصول ریاضی	حکمت نظری	حکمت عملی	محاوری	تصوّف	علوم شرعی	أدبیات				

روز دایمند ویرایش نشده

نام	رده‌های علوم														
ابن خلدون	علوم عقلی طبیعی						علوم نقلی وضعی								
	عددی	إلهی	طبیعی	منطق	تعبیر رؤیا	تصوّف	کلام	اصول فقه	فرائض	فقه	حدیث	قرآن	لسانی		
سیوطی	علوم (شرعی و عربی)														
	تصوّف	طبّ	تشریح ح	بدیع	بیان	معانی	خط	تصرف	نحو	فرائض	اصول ل فقه	حدیث	تفسیر	اصول دین	
طاش کبری زاده	علوم														
	علوم باطن		حکمت شرعی		حکمت عملی		علوم متعلق به أعیان		علوم متعلق به معقولات (أذهان)		علوم مرتبط با ألفاظ (عبارت)		علوم متعلق به خط (کتابت)		
شیرازی	علوم عقلی				علوم عربی				علوم شرعی						
	علوم حقیقی				علوم شرعی				علوم عربی						
تهاتوی	حکمت		منطق												
	نظری	عملی													
ملاصدرا	حکمت عملی						حکمت نظری								
	سیاست (اداره جامعه مدنی و سیاسی)		تدبیر منزل (ساماندهی امور خانواده)		أخلاق (خودسازی و تربیت افراد)		تنظیم امور دنیا		معرفت به باطل		معرفت به فرستادگان الهی		معرفت به مراحل سیر و سفر		معرفت به خداوند
صدر الافاضل	حکمیات						شرعیات								
	إلهیات		طبیعیات		ریاضیات		منطقیات		غیرمقدّمات		مقدّمات				
امام خمینی	علوم (نافع)														
	علوم راجع به أفعال قلبی و وظائف نشئه ظاهری نفس (تربیت ظاهر)				علوم راجع به أفعال قلبی و وظائف آن (تربیت قلب)				علوم راجع به کمالات عقلی و وظائف روحی (علم به مبدأ وجود به حقیقت و مراتب آن، بسط و قبض و ظهور و رجوع آن)						

رده بندی های هفتگانه جابر بن حیان (۱۲۰-۱۹۸ ق.) از تلاش های پیشتاز شمرده می شود که اساس و مبنایی برای رده بندی و تقسیم علوم وضع کرده است چنانکه برخی تقسیم های بعدی از آن تبعیت کرده اند. همانند تقسیم هایی که براساس مقدم داشتن علم مهم استوار بوده و طب بر سایر علوم مقدم شده است (جابر بن حیان، ۱۳۵۴ ق، ۱-۹۵). در تقسیم های بعدی و حتی جدید مثل رده بندی دیویی، طب بر سایر علوم کاربردی دیگر مقدم داشته شده است. در رده بندی دیویی، درده فنون (۶۰۰)، نخستین رده پس از فنون کلی، رده پزشکی (۶۱۰) و سپس رده های مهندسی (۶۲۰)،

کشاورزی، اقتصاد خانواده، مدیریت و خدمات اداری، مهندسی شیمی، صنایع، صنایع خاص (۶۸۰)، و ساختمان سازی (۶۹۰) قرار دارد (دایره المعارف کتابداری، ص ۸۸۹).

با توجه به اینکه طبقه بندی کنگره آمریکا مجموعه موجود خود را مبنا قرار داده است نمی توان آن را در جهان اسلام بدون پیشینه دانست. چرا که جابر بن حیان با منطقی این چنین در قرن دوم هجری، علوم را طبقه بندی کرده است. جابر علوم را براساس آنتولوژی یا هستی شناسی تقسیم کرده، و بین وجود و علوم موازنه برقرار کرده است؛^۱ وی در کتاب حدود (جابر بن حیان، ۱۳۵۴، ۹۷-۱۱۵)، بین لغت با حروف و کلماتشان و موجودات طبیعی توازن ایجاد کرده است. حدود جابر از تلاش‌های پیشرو در رده‌بندی علوم نزد مسلمانان شمرده می‌شود، زیرا اساس آن با تقسیم ارسطویی یکی نیست و در آن برای نخستین بار بین علم دینی و علم دنیایی فرق گذاشته است؛ همین مبنای رده‌بندی دانشمندان بعدی مسلمان همچون کندی و خوارزمی و ابن خلدون شد (ناهد، ۱۳۱۱، ۵۹-). در طبقه بندی او برای هر علم تعریف ارائه شد. بیان ویژگی مهم رده‌بندی است.

یعقوب بن اسحاق کندی (۱۸۵-۲۵۲ ق.) برای نخستین بار در رده‌بندی خود از اصطلاح «علوم انسانی» استفاده و آنها را علمی تعریف کرد که با تعقل به دست می‌آیند (کندی، ۱۹۵۰، ۳۶۴-۳۷۰)؛ وی بین علوم انسانی و علوم الهی با فرق قائل شدن و اولی را حاصل اجتهاد و عقل بشری و دومی را را یرآمده ازوحی الهی می‌داند. ابتکار کندی در به کاربرد اصطلاح علوم انسانی و ارائه تعریفی نزدیک به معنای جدید از آن پیشگام است.

فارابی (۲۶۰ ق-۳۳۹ ق.) در رده‌بندی علوم، بین مباحث نظری و عملی تفاوت قائل شده است (فارابی، ۱۹۴۸، ۴۳-۱۱۳)؛ و این دیدگاه نزدیک به رده‌بندی‌های جدید است که در آنها علوم به محض و کاربردی تفکیک شده است. همچنانکه آگوست کنت می‌گوید: علوم دو دسته اند، یک دسته مجرد و عمومی که موضوعشان کشف قوانینی است که بر رده‌های مختلف پدیده‌ها حکومت می‌کنند و دسته دوم تشریحی یا عینی هستند که آن قوانین را در زمان خاص بکار می‌بندند. کنت، دسته اول را علوم پایه می‌نامد و اهیت آن را بیش از دسته دوم می‌داند. با نگاهی دیگر می‌توانیم به تقسیم علوم محض و علوم کاربردی برسیم. علمی که قوانینی را کشف می‌کند و علمی که آن قوانین را به کار می‌بندد (داودی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱). این نظریه کاربردی را بعدها اسپنسر تکمیل کرد (وی علوم را در وهله اول به سه قسم: علوم مجرد، علوم نیم مجرد و علوم عینی تقسیم کرد؛ فدایی، ۱۳۸۹، ص ۷۴ و ۸۱) و امپر نیز آن را بکارگرفت (وی در مرحله اول تقسیم، علوم را به دو قسم: جهانی و عقلانی تقسیم می‌کند؛ فدایی، ۱۳۸۹، ص ۸۲). این نظریه کنت تاثیر غیر مستقیم بر رده بندی دیویی دارد و در آن رده بندی در چند جا تکرار می‌شود. رده بندی دیویی را می‌توان در کل چنین تقسیم کرد: فلسفه، دین، زبان، ادبیات، علوم محض، علوم کاربردی، هنرهای زیبا. مشاهده می‌شود که سه موضوع فلسفه، زبان و علوم محض، بنیادی بوده و دین، ادبیات، علوم کاربردی و هنرهای زیبا به ترتیب با کاربرد قوانین آن سه درگیرند (داودی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱).

خوارزمی (درگذشته ۳۸۷ ق.) تعریف جامع و مانع همراه با تعیین حدود واضح برای هر علم را بیان کرده است. از ویژگی‌های رده‌بندی وی (خوارزمی، بی تا، ۲-)، ایراد طبقه بندی او بخش نوادر آن است که به موضوعات پراکنده‌ای

اختصاص یافته اما وی نتوانسته آنها را تحت عنوان علم مرتب کند. این همان ویژگی است که در رده‌بندی‌های جدید با نام‌هایی همچون موضوعات دیگر یا معارف گوناگون [آثار متفرقه] می‌آید (ناهد، ۱۳۱۱، ۱۲۲).

در رده‌بندی ابن ندیم (درگذشته ۳۸۰ ق.) موضوعات بومی و محلی بر سایر موضوعات مقدم دانسته شده و به همین سبب، علوم اسلامی و عربی پیش از سایر علوم آمده است (شعبان عبدالعزیز، بی تا، ۱:۳)؛ این، همان ویژگی است که در رده‌بندی‌های جدید همچون دیویی مشاهده می‌شود، یعنی ترتیب علوم منعکس‌کننده علائق جامعه او است.

ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق.) کوشیده است موضوعات اسلامی را در ضمن علوم عقلی بیاورد (ابن سینا، ۱۲۹۸، ۷۱-۸۰)، لکن در یافتن جایگاه مناسب برای آنها چندان موفق نبوده است. در رویکرد ابن سینا، برای موضوعاتی که در آینده در اجتماع اسلامی پدید می‌آید جا پیش‌بینی شده است. وی با اختصاص دادن اقسام اصلی به حکمت عملی مستفاد از شریعت اسلامی، زمینه گسترش این رده‌بندی را در ادوار بعدی فراهم کرده است.

ابن سینا از فلسفه فارابی برای سازگار کردن دین و فلسفه پیروی کرده است. او نیز هدف رده‌بندی علوم را رسیدن به سعادت در سرای آخرت می‌داند. این دیدگاه، مخالف دیدگاه ارسطو برای سعادت است؛ ابن سینا مبدأ علوم عملی را شریعت دانسته است.

طبقه بندی غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق.) بنیان فلسفی طبقه بندی فارابی را دارد؛ و لی آن را با دیدگاه کلامی و عقلی خویش سازگار کرده است (غزالی، ۱۳۲۸ ق.، ۱۳۷۶-۱۳۲۸ ق.، ۳۶۰-۳۶۸). به اعتقاد برخی طبقه بندی غزالی تا حدودی ضدفلسفی و ضد علمی است (ملک، ۱۳۵۸، ص ۳۴).

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق.) در رده‌بندی علوم صرفاً به علوم عقلی اکتفا و علوم شرعی و عربی را مطرح نکرده است (نصیرالدین طوسی، ۱۹۹۴، ۶۹-۷۷). وی ب تحت تاثیر ابن سینا است. اما تقسیم بندی او در موارد متعدّد با تقسیم‌بندی ابن سینا اختلاف دارد. ظنّ غالب آن است که خواجه نصیر می خواسته تقسیم بندی خود را ارائه دهد اما به آن تصریح نکرده است.

فلسفه قطب الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ ق.) «حکمت ذوقی» مبتنی بر تجربه فراعقلی یا إشراق است. در عین حال او از استدلال هم بهترین بهره را برده است. قطب الدین شیرازی برای حل مشکل مرزبندی میان علوم عقلی و دینی علوم دینی را به سه دسته: علوم نقلی، علوم عقلی، علوم عقلی-نقلی تقسیم کرده است (قطب الدین شیرازی، ۱۹۰۳، ۱:۷۱). در توجیه دسته سوم او برخی علوم مورد تأیید عقل و نقل هر دو می‌داند، یعنی اگرچه از وحی سرچشمه می‌گیرند عقل هم به تنهایی می‌تواند به اصول و قواعد آنها پی ببرد.

تقسیم ابن اکفانی (درگذشته ۷۴۹ ق.) در علوم، ازکامل ترین‌های و در بردارنده بیشتر علوم موجود عصر-چه علوم عربی و شرعی و چه علوم اجنبی-است (ابن اکفانی، ۱۹۹۰، ۹۱-۹۲). رده‌بندی وی در بردارنده تعدادی اصول و مبادی است که رده بندهای غربی علم در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی آنها را مطرح کرده‌اند که از جمله آنها مبدأ تسلسل علم است

که در قرن ۱۹ میلادی، «کانت»^۲ آن را مطرح کرد با این مبنا که هر علمی باید بر علم سابق خود بنا شده باشد و نه بر علم پس از خود. همچنین ابن اَکفانی در تقسیم علوم منشعب از اقسام اصلی، روشی را اتخاذ کرد که قائم بر اساس تفکر در بردارنده (فراشمولی) در هر علم بود. و این تفکر، از مبادی مهم در تقسیم علوم در قرن ۱۹ میلادی بوده است. و نخستین فرد از دانشمندان غربی که ضرورت پیروی از این مبدأ و اصل را مطرح کرد «ویلیام هوپل» بود که این اصل را «طبیعت جوهری برای هر علم» نامید (Vickery. B.C. opcit. P: 167)؛ و این، همان تفکر در بردارنده در هر علم است که مدّ نظر ابن اَکفانی هم بوده است.

ابن اَکفانی وحدت موضوعی را در رده‌بندی خود حفظ کرده است و موضوعات مرتبط با یکدیگر (همچون علوم لغت و ادب و علوم خط) در رده‌بندی او در کنار هم آمده است. این جنبه وحدت موضوعی در برخی از رده‌بندی‌های غربی مشهور مثل طبقه بندی بیکن موجود نیست. بیکن علوم لغت و خط و بلاغت را از علوم ادبی دیگر جدا کرده و آنها را ابزار رسیدن به علوم و معارف دانسته است. در حالی که ابن اَکفانی این علوم را در عین علم شمردن، ابزار برای علوم دیگر هم دانسته و به همین جهت آنها را در جایگاه مقدمه‌ای برای بررسی و تحقیق در علوم بعدی قرار داده است. این کاستی رده‌بندی بیکن بوده به رده‌بندی دیوبی^۳ راه یافته است که در آن علم لغات از علم ادب جدا افتاده است (ناهد محمد سالم، ۱۳۱۱ق، ص ۲۰۴ و ۲۰۵).

رده‌بندی علوم شمس الدین آملی (قرن هشتم ق.) جامع و کامل است و تمام طبقه بندی‌های دانشمندان پیشین از جمله مسلمانان را در بر دارد. وی تمامی علوم و فنون را تعریف و مطالب و مسائل هر یک را به اختصار بیان کرده است (آملی، ۱۳۷۷، ۱:۱۴). نفائس الفنون او دایره‌المعارفی است که در آن، علوم با حدّ و حدود و تاریخچه تعریف و شاخه‌های آن بیان شده است.

رویگرد این خلدون (۷۳۲-۸۰۸ق.) در رده‌بندی علوم، جهانشمول است هر چند در علوم نقلی بخشی به اُمت و شریعت اسلامی اختصاص داده است. امکان گسترش آن به دین‌ها و آئین‌ها و ادبیات و زبان‌های دیگر وجود دارد. اما مانند رده‌بندی دیوبی که جایگاه دین مسیحی و زبان انگلیسی در آن بارز است، تاکید آن بر مسلمانان و زبان عربی است. ابن خلدون در رده‌بندی خود (ابن خلدون، ۱۹۹۹، ۳۷۹-۴۳۳) بر رابطه مثبت میان شکوفایی علوم و آبادانی تأکید کرده است.

سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ق.) حدود هر علم را به شیوه دانشنامه‌ای معین و تقسینات آن را بیان کرده است (سیوطی، ۱۳۰۹، ۲). او علومی از علومی سخن گفته که در رده‌بندی‌های پیشین نیامده است/ این، دلالت بر توسعه علوم مختلف در عصر وی و شاهی بر گسترش رده‌بندی مسلمانان از علوم در هر دوره دارد.

رده‌بندی طاش کبری زاده (۹۰۱-۹۶۸ق.) هم از جهت تعداد علوم ارائه شده در آن و هم از جهت رویکرد جدید،

۳. کانت، فیلسوف مشهور آلمانی (م ۱۸۰۴) نظریات قابل توجهی در باب ارزش معلومات در ۳ بخش: فلسفه اولی، ریاضیات و طبیعیات نظریات خود را بیان کرده است. می‌توان گفت مسلک کانت، مسلک شک است. فلسفه کانت را فلسفه انتقادی نیز می‌نامند (دانشنامه اطلاع رسانی حوزه).

نمونه کاملی از رده‌بندی‌های اسلامی شمرده می‌شود (شعبان عبدالعزیز، ۱۹۹۳، ۱:۳۵). با توجه به اینکه ایشان در رده‌بندی خود، حدّ و حدود هر موضوع را با دقت ترسیم و آنها را از یکدیگر تفکیک کرده، می‌توان گفت که اتکاء طاش کبری زاده برجسته موضوعی از ویژگی‌هایی است که تقسیم‌کنندگان علوم در قرن ۱۹ میلادی بر آن تکیه کرده‌اند. رویکرد جدید این طبقه‌بندی، استفاده از شیوهٔ ارجاع در موارد متعدّد به جهت ارتباط بین موضوعات همچنین به کار رفتن مبنای تحلیل و ترکیب (قرار دادن یک علم در دو یا چند موضوع) می‌باشد. به کار بردن مبنای تحلیل و ترکیب از ابتکارات طاش کبری زاده است که «رانگاناتان» در عصر جدید آن را مطرح کرده است. در رده‌بندی طاش کبری زاده برای نشان دادن ارتباط بین موضوعات از لفظ استفاده شده همچنانکه در رده‌بندی «کولون» از رموزی برای تعبیر از موضوعات و ارتباط بین آنها استفاده شده است.

محمدامین شیروانی (درگذشته ۱۰۳۶ ق.) برخی علوم را به شکل منطقی در کنار یکدیگر مرتّب کرده و آنها را با یکدیگر معرفی کرده است همانند علم خط، علم لغت و علم ادب (شیروانی، ۶۱). این همان ویژگی است که برخی از رده‌بندی‌های جدید مثل رده‌بندی دیویی و رده‌بندی بیکن فاقد آن هستند. اگرچه برخی دیگر همچون رده‌بندی کنگره ملتزم به آن هستند و علم لغت و ادب را در کنار یکدیگر و حتی در یک رده قرار داده‌اند. ملّاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰ ق.) چهار نوع رده‌بندی از علوم ارائه کرده که مهم‌ترین و مشهورترین آنها، طبقه‌بندی علوم بر مبنای حکمت متعالیه است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ۱۳). دیدگاه ملّاصدرا در این طبقه‌بندی، لحاظ کردن تمامی علوم و معارف در یک منظومهٔ خاص (دینی و الهی) است؛ و بر این اساس، وی علوم آخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدّم داشته است.

تهانوی (درگذشته ۱۱۵۸ ق.) در رده‌بندی خود، علوم عربی را از علوم دینی تفکیک کرده است (تهانوی، ۱۹۶۳، ۳)؛ و این خطّ مشی بر خلاف بسیاری از رده‌بندی‌های پیشین است که در آنها علوم عربی و دینی زیر یک عنوان «شرعی» قرار دارند. دیدگاه تهانوی در رده‌بندی علوم، کنار یکدیگر قرار دادن موضوعات مشابه است؛ همانند قرارگرفتن علم لغت و ادب (صرف، اشتقاق و نحو) در کنار یکدیگر و علوم بلاغت (معانی، بیان و بدیع) در کنار یکدیگر. این ویژگی، در رده‌بندی‌های پیش از تهانوی بطور کامل رعایت نشده است.

صدرالافاضل (۱۲۶۸-۱۳۵۰ ق.) به رده‌بندی دانشمندان پیشین توجه داشته و سعی کرده تا تقسیم مستقلی را ارائه کند (مصاحبی نائینی، ۱۳۷۷، ۴۷۰-۴۸۸). وی در رده‌بندی خود علوم اسلامی خالص را از علوم آلی و مضاف جدا کرده است.

امام خمینی (۱۲۷۹-۱۳۶۸) با اندیشهٔ دینی و إلهام از حدیث شریف نبوی، مطابق با مقامات سه گانهٔ انسان و مطابق با نیازهای بشر، علوم مفید را به سه قسم می‌داند (خمینی، ۱۳۸۶، ۳۸۷). رده‌بندی او برآمده از اندیشهٔ دینی و مطابق با حقیقت است؛ برخلاف تقسیم دیگر دانشمندان که عمدتاً تقسیم آنها مطابق با واقع و عالم خارج بوده و حداکثر نگاه دینی آنها به تقسیم هایشان این بوده که رتبهٔ علم الهی و علوم دینی را بالاتر از دیگر علوم قرار داده است. امام خمینی در این طبقه‌بندی، نگاهش به علوم بر مبنای غایت خلقت و کمال انسانی است و هر دانشی را که در مسیر تکامل

انسان قرار گیرد، علم مفید دانسته است.

نتیجه گیری

دانشمندان مسلمان از سده دوم هجری تا دوره معاصر اهتمام خاصی به رده‌بندی علوم با رویکردهای مختلف و شیوه‌های متعدد داشته‌اند؛ و این نشان از رشد دانش و توسعه علوم در ادوار مختلف تاریخی در میان مسلمانان داشته است. تمامی علوم که میان مسلمانان رایج گشت، ناشی از احتیاج فقیهان و مردم دیندار بوده است و مسلمانان به برکت احکام اسلام و پیروی از کتاب خدا، مسیر دانش افزایی را پیموده و دانشمند شده‌اند.

در لابلای رده‌بندی‌های دانشمندان مسلمان این نظریه مهم که بین علم و تمدن، بین شکوفایی علوم و کثرت آبادانی جامعه ربط اساسی وجود دارد، مشهود است. مطابق با این نظریه، تقدیمی برای علم نیست مگر زمانی که تمدن شکوفا شود و صنایع توسعه یابد. و این دیدگاه، تأکید بر این حقیقت تاریخی دارد که در دوره‌های پیشین تاریخ اسلام و در زمانی که علوم در سرزمین غرب چندان رواج نداشت، در شرق به ویژه در کشورهای اسلامی رواج داشته است. و این عدم رواج علم، به سبب نبود عمران و آبادانی در غرب و گسیختگی سند علم و آموزش در آن سرزمین در آن دوران است؛ در حالی که شکوفایی علم در سرزمین‌های اسلامی به کثرت عمران و آبادانی برمی گردد (ناهد، ۱۳۱۱، ۲۲۷).

رویکرد رده‌بندی علوم نزد برخی همچون ابن خلدون، عام است و هر ملت و کشوری در هر دوره‌ای از آن پیروی کند. آن چنانکه وی در خلال نظرش در مورد علوم نقلی، این دیدگاه را نشان داده و تأکید کرده با وجود آنکه علوم نقلی اختصاص به اُمت اسلامی دارد، هر ملت و اُمتی نیاز به چنین علومی مطابق با شریعت خود دارد. در کنار نقاط قوت رویکرد دانشمندان مسلمان به رده‌بندی علوم، نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود:

برخی همچون جابر در رده‌بندی خود اصطلاحات مبهمی همچون علم جوآنی و علم برآنی و احمر و ابیض به کار برده‌اند که سبب پیچیدگی شده است.

- برخی همچون کندی و ابن اکفانی تعدادی از علوم مهم موجود در زمان خود همچون کیمیا، طب، علوم اسلامی و علم تاریخ را ذکر نکرده‌اند.

- برخی همچون فارابی علوم دینی همانند تفسیر، قرائات و علوم حدیث و علم کیمیا و طب، و خوارزمی تفسیر، قرائات و علوم حدیث را ذکر نکرده‌اند.

- برخی موضوع‌هایی را در رده‌بندی خود آورده‌اند که از جمله علوم نیستند و اسلام آنها را نفی کرده است، مانند سحر و ادیان وضعی و جعلی در رده‌بندی ابن ندیم؛ و شعبده، طلسمات و علم اسرار الحروف در رده‌بندی ابن خلدون.

- برخی همانند ابن سینا و نصیر الدین طوسی به علوم عقلی اکتفا کرده و از علوم عربی و علوم شرعی - غفلت کرده‌اند.

- برخی همچون ابن خلدون و سیوطی، تمامی علوم عقلی را در رده‌بندی خود ذکر نکرده‌اند و به علوم بسنده کرده که از حقیقت دینی دریافت می‌شوند و با علوم دین اسلام تکامل می‌یابند.

رویکردهای دانشمندان اسلامی در رده‌بندی علوم

۱. رویکرد فقهی-اخلاقی. برخی از رده‌بندی کنندگان علوم با نگرش فقهی اساساً مبتنی بر ملاحظات اخلاقی به بررسی طبقه بندی علوم پرداخته‌اند. بر اساس این رویکرد، جایگاه فقهی کسب هر رشته ای از علم، براساس میزان سودمندی آن برای فرد و جامعه در پرتو اهداف غایی شریعت تعیین می‌شود. همچنانکه غزالی در مقام یک فقیه به بررسی طبقه بندی علوم می‌پردازد و به اساس اخلاقی طبقه بندی علوم اهمیت می‌دهد.

۲. رویکرد اخلاقی-تربیتی. به اعتقاد برخی رده‌بندی کنندگان علوم، از آن جا که علوم به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شود، پسندیده است که دانش پژوهان، اهمّ را بر مهمّ ترجیح داده و بر مبنای اندیشه دینی، تحصیل علوم الهی را بر سایر دانش‌ها مقدم دارند؛ و اگر دانش‌های غیر الهی، وسیله و ابزار برای نیل به معرفت الهی باشند، فراگیری آنها لازم می‌شود. همچنانکه مطابق با دیدگاه ملاصدرا برای نوع انسان کمال ویژه ای در نظر گرفته شده است. این کمال عبارت از اتصال به معقول، هم نشینی با خداوند تبارک و تعالی و تجرّد از مادیات است که فقط با کسب و تحصیل علوم و معارف با اولویت تحصیل علوم الهی بدست می‌آید. امام خمینی نیز نگاهش به علوم بر مبنای غایت از خلقت انسان و کمال انسانی و صرفاً بر مبنای اندیشه دینی است و مطابق با دیدگاه وی هر دانشی که در این مسیر قرار گیرد، علم مفید است.

۳. رویکرد آموزشی-تربیتی. رده‌بندی برخی از دانشمندان، انعکاس شیوه آموزشی و تربیتی در عصرهای تمدن اسلامی است. در همین راستا تدرّج و ترتیب علوم در تقسیم آنان به جهت خدمت به این رویکرد آموزشی است و آنان، رده‌بندی را با علمی شروع کرده‌اند که ابزار عملی برای آموزش و تحصیل شمرده می‌شوند. این قبیل رده‌بندی‌ها در جهت خدمت عملی به نظام آموزشی واقع شده است. همانطور که ابن خلدون علوم را به حسب تدریجی بودن و ترتیب در تحقیق و فراگیری مرتّب کرده و تقسیم علوم نزد سیوطی براساس شیوه تربیتی-آموزشی موجود در نزد مسلمانان بوده است. رویکرد عمومی در تقسیم طاش کبری زاده و غرض ابن اکفانی از رده‌بندی خود، آموزشی و تربیتی است و مقتضای آن، تبیین انواع علوم و مراتب آن و معرفی اهمّ کتابهای تألیف شده در هر علم است. با تبیین رده‌بندی‌های علوم در تمدن اسلامی و واکاوی نقاط قوت و ضعف آنها می‌توان چارچوبی جدید برای آموزش علوم و نیز رده‌بندی علوم، به ویژه در علوم انسانی و اسلامی، را پیشنهاد داد. چه بسا تفاوت دیدگاه دانشمندان اسلامی در رده‌بندی علوم به تفاوت دیدگاه در سازماندهی دانش کمک کند و به مدد آن بتوان نقاط ضعف در برنامه‌ریزی برای آموزش علوم را بازشناخت و طرحی نو در رده‌بندی علوم به ویژه در علوم انسانی و اسلامی در انداخت.

به عنوان مثال، می‌توان برای موضوع تألیفات دانشمندان مسلمان در نسخ خطی و کتب چاپ سنگی رده‌بندی ویژه‌ای طراحی کرد؛ بدین نحو که نخست، شاخه‌های اصلی علوم مشخص و مرتب کرد و سپس به تناسب موضوعات کلی، فروع آن نیز گسترش یابد و تکمیل شود. پس از تکمیل فروع طبقه بندی پیشنهادی، موضوعات با ترکیبی از اعداد و حروف نشانه گذاری شود و به عنوان طرح «رده‌بندی موضوعی کتب قدیمی تا قرن ۱۴» در یک مخزن نسخ خطی به صورت آزمایشی اجرا و پس از برطرف کردن نقیصه‌های آن به عنوان طرح «رده‌بندی موضوعی کتب قدیمی اسلامی» مطرح گردد.

مآخذ

- آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۷). *نفائس‌الفنون فی عرائس‌العیون*. انتشارات کتابفروشی اسلامیة (دوره ۳ جلدی). ابرامی، هوشنگ (۱۳۷۹). *شناختی از دانش‌شناسی*. تهران: نشر کتابدار.
- ابن‌اکفانی، محمد (۱۹۹۰م). *ارشادالفاصل الی اسنی المقاصد فی انواع‌العلوم*. قاهره: دارالفکر العربی.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمان (۱۹۹۹م). *مقدمه لکتاب‌العبرودیوان‌المبتدی والخبر*. قاهره: دارالکتب المصری.
- ابن‌سینا، حسین (۱۲۹۸ق.). *رساله فی اقسام‌العلوم‌العقلیه*، من کتابه تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات. قسطنطنیه: مطبعه الجوائب.
- تامسون، جیمز (۱۳۶۶). *تاریخ‌اصول‌کتابداری*، ترجمه محمود حقیقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تهانوی، محمداعلی (۱۹۶۳م). *کشاف‌اصطلاحات‌الفنون*. تحقیق لطفی عبدالبدیع. قاهره: المؤسسه المصریه العامه للتألیف و النشر.
- جابرین حیان (۱۳۵۴ق.). *کتاب‌اخراج‌مافی‌القوه‌الی‌الفعل*، من مختار رسائل جابرین حیان. با تصحیح پول کراوس. قاهره: مکتبه‌الخانجی.
- جابرین حیان (۱۳۵۴ق.). *کتاب‌الحدود*، فی کتاب مختار رسائل جابرین حیان. با تصحیح پول کراوس. قاهره: مکتبه‌الخانجی.
- حماده، محمدماهر (۱۴۰۳ق.). *علم‌المکتبات و المعلومات*. بیروت.
- حماده، محمد ماهر (۱۴۰۵ق.). *تنظیم‌المکتبه‌المدرسیه*، با همکاری علی القاحی. چاپ سوم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶). *شرح‌چهل‌حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوارزمی، محمد (بی‌تا). *مفاتیح‌العلوم*. قاهره: مطبعه‌الشرق.
- داودی، مهدی (۱۳۷۱). «تأثیر آراء فرانسویس بیکن و آگوست کنت بر رده‌بندی دهدهی دیویی». *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی (پیام کتابخانه سابق)*، شماره ۵ و ۶، ص ۹۶-۱۰۱.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۰۹ق.). *اتمام‌الدرايه لقراء‌النقایه*. د. م. میرزا شیرازی.
- شعبان‌العزیز خلیفه (بی‌تا). *الفهرست لابن‌ندیم*. با همکاری ولید محمد عوزه. قاهره: مکتبه‌الثقافیه.
- شعبان‌العزیز خلیفه (۱۹۹۳م). *مفتاح‌السعاده و مصباح‌السیاده فی موضوعات‌العلوم لطاشکبری زاده*. مجلد اول. القاهره: دارالعربی.
- شیروانی، محمد امین (نسخه خطی). *الفوائد‌الخاقانیه*. نسخه خطی شماره ۵۷۱۸، دارالکتب‌الظاهریه بدمشق.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۸). *المظاهر‌الالهیه فی أسرار‌العلوم‌الکمالیه*. تصحیح و تحقیق و مقدمه سیدمحمد خامنه‌ای. تهران: بنیاد حکمت صدر.

طاهری عراقی، احمد (۱۳۷۲). رده‌بندی دهدهی دیویی اسلام. تهران: کتابخانه ملی، ویرایش سوم.
طاهری عراقی، احمد (۱۳۷۶). رده BP: اسلام. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
طاش کبری زاده، احمد (۱۹۹۳م). مفتاح السعاده و مصباح السیاده، به کوشش و تصحیح شعبان عبدالعزیز خلیفه. قاهره:
دارالعربی.

غزالی، محمد (۱۳۲۸ق.). احیاء العلوم المدینه. قاهره: مطبعه کردستان العلمیه.
غزالی، محمد (۱۳۲۸ق.). الرساله اللدنیه. قاهره: مطبعه کردستان العلمیه.
عمر البارودی، عبدالله (۱۴۰۳ق.). دراسات مختاره فی المكتبات و التوثیق والاعلام. بیروت: عالم الکتب، چاپ اول.
فراپی، محمد (۱۹۴۸م). احصاء العلوم. تحقیق و تقدیم و تعلیق عثمان امین. قاهره: دارالفکر العربی.
فدایی، غلامرضا (۱۳۸۹). طرحی نو در طبقه بندی علوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
قطب الدین شیرازی، محمود (۱۹۰۳م). دره التاج لغره الدیاج فی الحکمه. تصحیح محمد مشکوه. تهران: مجلس.
کندی، یعقوب (۱۹۵۰). کمیه کتب ارسطو طالیس و ما یحتاج الیه فی تحصیل الفلسفه. تحقیق و اخراج محمد عبدالهادی
ابوریده. قاهره: دارالفکر العربی.

مصاحبی نائینی، محمد علی (۱۳۷۷). نامه فرهنگیان. چاپ عکسی. تهران: انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
ملک، فضل الرحمن (۱۳۵۸). «اسلام و مدرنیته». خلاصه کتاب، ترجمه ابوالفضل والازاده. مجله مدرسه، شماره ۴، مهر ۱۳۵۸
ناهد، محمد سالم (۱۳۱۱ق.). نظم تصنیف المعرفه عند المسلمین. با مقدمه شعبان عبدالعزیز خلیفه. اسکندریه: دارالثقافه العلمیه.
نصیرالدین طوسی، محمد (۱۹۹۴م). رساله فصل بی بیان اقسام الحکمه علی سبیل الایجاز، من کتاب عباس سلیمان. تصنیف
العلوم بین الطوسی و بیضاوی. اسکندریه: دارالمعرفه الجامعیه.
یعقوب نژاد، محمد هادی (۱۳۹۰). «رده‌بندی علوم و چالشهای فرارو». مجله نقد و نظر، سال شانزدهم، زمستان ۱۳۹۰، شماره
۴، صص ۱۳۵-۱۵۴.

Vickery.B.C.Classification and indexing hn science.Butterworths,1975.

استناد به این مقاله:

عظیمی، حبیب‌الله (زودآیند). زمینه‌های معرفتی و پشتوانه‌های علمی مسلمانان برای طراحی نظام جدید
رده‌بندی علوم. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۳۱